

اصطدیر

سال اول - شماره اول - اردیبهشت ۹۸
ماهنامه دانشجویی



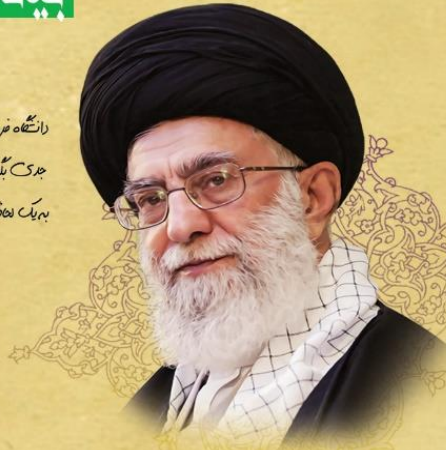
گفت و گو با ریاست دانشگاه فرهنگیان
خراسان شمالی
حس و حال روز اول معلمی
زندگی دانشجویی
رمضان هلال عاشقی

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلام



دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جریک بگیرند، دانشگاه فرهنگیان را کم تولید کننده معلم است
جریک بگیرند. هر چه می توانند برای این سرمایه گذاری کنند.
به یک نگاه، اصیبت این دانشگاه از همه دانشگاه ها کم رنگتر است.

(مقام معظم رهبری، ۹۶)



فهرست

- ۱ سخن سردبیر / شناسنامه
- ۲ گفتگو با دکتر حبیب صفر زاده
- ۳ معلم علم و ایمان / تکریم شاگرد
- ۴ از معلم جان روشن یافتیم. / حس و حال روز اول معلمی
- ۵ یاد دوست
- ۶ فتنه خوابات
- ۷ صندل آباد بهشتی است که ویران شده است
- ۸ زندگی دانشجویی
- ۹ ماه عاشقی
- ۱۰ نقد فیلم تنگه ابوقریب
- ۱۱ شعر / شیرین ، خوشمزه و دلنشین
- ۱۲ جدول / سیل سین هشتم نوروز ۹۸
- ۱۳ کاریکاتور



ارتباط با ما



ستوگند به قلم و آنچه می نویسد...

الهی اگر بر دار کنی رواست، مهجور مکن! و اگر به دوزخ فرستی رضاست، از خود دور مکن (خواجه عبدالله انصاری).

با استعانت از آستان بی همتای احدیّت و کوشش جمعی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، اولین شماره از نشریه دانشجویی صریر را تقدیم پیشگاه بلندتان می کنیم. بر آنیم تا در این نشریه که به صورت گاهنامه و در زمینه های فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری اطلاعات، معارف، سرگرمی، صنفی و آموزش و پرورش جهان منتشر می شود، خلاقیت ها، دانش ها و مهارت های خود را صادقانه برای اهداف بزرگ بشریت چون آگاهی، کمال، راستی و... به کار گیریم تا میزبان شایسته های برای محفل اندیشه مخاطبانمان باشیم. امید است این اثر، خواننده گرامی را در حرکت به سمت آنچه مورد رضای خدای مهربان است، یاری دهد.

با علم به اینکه هیچ کار بشری، نمی تواند عاری از خطا باشد، سعی بر آن شده است که مجموعه ای با حداقل اشتباهات، پیش روی شما بزرگواران باشد. دست یک به یک شما عزیزان را برای همکاری و ادامه راه به گرمی می فشاریم و منتظر دریافت پیشنهادات و انتقادات شما سروران گرامی هستیم.



شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی، دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

مدیر مسئول: حامد رحیمی

سر دبیر: سید محمد موسوی

مدیر هنری: سجاد اسعدی

هیئت تحریریه: محمد آذری، سجاد اسعدی، هادی الهی، مصطفی حسین زاده، حسین دلاور، حامد رحیمی، امیر فرخنده،

هیئت تحریریه: مهدی محمدخواه، الهام نعمتی، ولی الله محمودیان، محسن مفتح، سید محمد موسوی،

شناسنامه



گفتگو با دکتر حبیب صفرزاده



۱. با توجه به نزدیک شدن به ایام هفته ی معلم و بزرگداشت شهید مطهری پیرامون تفکر و جایگاه ایشان در انقلاب اسلامی ایران برامون صحبت کنید. ایران در انقلاب اسلامی و در تاریخ یکصد ساله گذشته انسان های تاثیرگذار و جریانساز معدودی را به خودش دیده است که در رأس این ها امام (ره) یکی از تاثیرگذارترین و جریانسازترین چهره هایی است که ایران اسلامی داشته است و چهره های سیاسی و اجتماعی دیگر که به عنوان مصلح و بیدادگر بوده اند. در بین استوانه های انقلابی، ما در کنار امام و مرحوم طالقانی می توانیم شهید مطهری را به عنوان یکی از سرآمدترین ها و یکی از معماران اصلی انقلاب و جریان ساز در انقلاب بشماریم. شهید مطهری

اسلام را بسیار اثرگذار و واقعی و بی پیرایه و زلال معرفی کردند. ایشان انقلاب اسلامی را و در واقع فلسفه ی انقلاب را به صورت علمی و منطقی بیان کردند. ۲. به نظر شما یک معلم خوب و در تراز انقلاب چه ویژگی هایی باید داشته باشه؟ معلم در تراز انقلاب به آموخته هایی که یاد می گیرد، عمل می کند. در این خصوص مولانا شعرى دارد که می فرماید: به اندازه بود باید نمود - خجالت نبرد آنکه نمود و بود

ما اگر رذیله ای رو می بینیم که بد است، به اون عمل نکنیم و اگر حمیده ای رو می بینیم که خوب است، عمل بکنیم، معلم باید نماد اخلاق باشد و به آن چیزی که یاد می گیرد خودش عمل کند. ۳. آیا دانشگاه فرهنگیان در حال حاضر مسیر درستی رو پیش گرفته؟ چه موانعی بر سر راه تعالی هرچه بیشتر دانشگاه قرار داره؟ اگر به اساسنامه دانشگاه فرهنگیان توجه کنند و مسئولین ارشد کشور به دانشگاه و جوانش اهمیت بدهند و منویات مقام معظم رهبری را به اجرا در بیاورند و ساختار دانشگاه را مطلوب مخاطبانش طراحی کنند، بله افق پیشرو افق خوبی خواهد بود، اما الآن در شرایط فعلی، دانشگاه نواقص و مشکلاتی اعم از مادی، ساختار اداری و جذب هیئت علمی دارد. ۴. آقای دکتر به نظرتون اصلی ترین مشکل و مانع پیشرفت دانشگاه چیه؟

اصلی ترین مشکل دانشگاه، موانعی است که وزارت علوم بعضاً و دستگاه های مالی و اعتباری بر سر دانشگاه گذاشته اند تقریباً شتاب دانشگاه را گرفته، یعنی نداشتن زیر ساخت های توسعه ای برای دانشگاه به لحاظ مادی و نیروی انسانی. این ها باعث شده است که ما به آن اهداف عالی مورد نظر نرسیم.

۵. اگر به زمان دانش آموزی و دانشجویی خودتون برگردید، آیا باز هم همین مسیر تحصیلی و کسب علم رو انتخاب می کنید؟ من شخصاً بدون هیچ مداخله ای تصور می کنم که سعادت من در این مسیر بوده؛ هم دنیای من و هم آینده بعد از دنیای من تقریباً روزگار خوشی خواهد بود. بدون هیچ تعارفی از مجرای معلمی می شود به همه ای افق های مورد نظر رسید. هیچ بازدارندگی در کار معلمی نیست؛ یک معلم می تواند وزیر بشود، سفیر بشود، استاندار و فرماندار بشود. یعنی مزیت کار معلمی در این است که چون در حوزه دانایی تنفس می کند، مانعی برایش وجود ندارد.

۶. چه توصیه ای برای تعالی و کمال هرچه بیشتر دانشجویان دانشگاه دارید؟ تذهیب نفس و تقویت حافظه به لحاظ انباشت های حافظه ای و علمی و روزآمد کردن خود از طریق علوم جدید با تکیه بر مبنای سنت. عملکرد بسیج طی سال تحصیلی گذشته رو چطور ارزیابی می کنید؟ ما از تشکل ها انتظار مان این است که به عنوان المان و چراغ راهنما حرکت کنند، تشکل ها بر مبنای سداد و درستی حرکت کنند؛ جانب دارانگی سیاسی در کارهایشان و در فعالیت های آن ها تاثیر نداشته باشد. بنده خودم نیز سعی داشته ام که تشکل های سیاسی را در زمانی که معاون دانشگاه بودم به این انگیزه رشد بدهم که بتوانند چراغ

راهنما باشند، خط کش و المان باشند.

به مدیران و مسئولین راه را نشان بدهند و تذکر بدهند و در دانشگاه ما عملکرد بسیج دانشجویی

و تشکل های دانشگاه خوشبختانه تقریباً خوب بوده و بسیج دانشجویی از همه بهتر عمل کرده است.

در انتها توصیه می کنم بر وفاق و همدلی میان بچه ها. بر انسجام بین بچه ها پای

بیشارید و از موارد تعارضی و اختلافی پرهیز کنید و اختلافات را با گاردگیری جواب

ندهید، با یکدیگر مواجهه عالمانه داشته باشید.





شکوه من
شاکرد

نویسنده
حسین دلایر
علوم تربیتی
زودی ۹۶



از نظر اسلام همان طور که معلم احترام دارد و باید تکریم شود، متعلم هم باید تکریم شود؛ شاگرد را هم باید تکریم کرد. به شاگرد اهانت نباید کرد. این یک جنبه ی پرورشی بسیار عمیقی دارد...

(بیانات مقام معظم رهبری در جمع فرهنگیان ۱۳۸۷/۰۴/۱۲)

* دلسوزی معلم نسبت به شاگردان :

معلم باید دلسوز شاگردان باشد و هر آنچه را که برای خود نمی پسندد، برای شاگردان هم نپسندد.

* فروتنی معلم نسبت به شاگردان :

معلم نباید با شاگردان خویش رفتاری شکوه مندانه و بزرگ مآبانه داشته باشد، بلکه باید با فروتنی و نرمش برخورد نماید. خداوند متعال به پیامبر خود می گوید: واحْفِضْ

جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

[سوره شعرا آیه ۲۱۵]

(و پر و بال خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند فرود آر).

* تفقد از احوال شاگردان:

اگر یکی از شاگردان و یا حاضران حلقه درس استاد، در جلسه درس حضور نیافت و غیبت او غیر عادی به نظر رسید، باید از او، احوال او و علت غیبت او پرس و جو کند.

* احترام به شخصیت شاگرد و اعتراف به اهمیت افکار او

* رعایت مساوات در توجه و محبت به شاگردان

دوازدهم اردیبهشت ماه سالروز شهادت مردی است که معلم شهید لقب گرفت. معلمی که با وجود گذشت چهل سال از شهادتش، هنوز آثار و کتاب هایش گره گشای مشکلات و مسائل امروز ماست. امام خمینی (ره) درباره استاد مطهری می فرماید:

«ایشان بدون استثنا آثارش خوب است، انسان ساز است، برای کشور خدمت کرده است». معلمی که بعد از گذشت چهل سال، توصیه مقام معظم رهبری در دیدار اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ با دانشجویان و معلمان، مطالعه کتب ایشان بود. رهبر انقلاب در خصوص شهید والا مقام، مرتضی مطهری، می فرماید: «آدمی قوی الفکر و متفکری حقیقی بود». اما جلوه این قوت و قدرت در آثار ایشان است که هنوز با وجود گذشت سالیان متمادی، تازگی و طراوت دارد. قبل از معرفی یکی از کتب ایشان، لازم است ابتدا با این بزرگ مرد آشنا شویم. مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن سال ۱۲۹۷ در شهر فریمان استان خراسان رضوی و در خانواده ای مذهبی و متعهد، چشم به جهان گشود. شهید مطهری در دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد و در نوزده سالگی عازم حوزه علمیه قم شد. با شروع نهضت اسلامی از سال های ۴۱ و ۴۲، وارد صفوف نهضت شد. شهید مطهری جدای از شخصیت علمی و فرهنگی، در زمینه سیاست هم شاخص بود، تا آنجا که از طرف امام مسئول تشکیل شورای انقلاب شد. سرانجام استاد مرتضی مطهری در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، شب هنگام توسط گروهک تروریستی فرقان به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

مجموعه آثار معلم شهید، مرتضی مطهری، حدود ۶۶ اثر در ۹۷ جلد می باشد. با توجه به حرفه معلمی، بهتر است دانشجویان معلمان عزیز کتاب تعلیم و تربیت در اسلام استاد مطهری را مطالعه نمایند. در این کتاب می توان به جایگاه والای علم، عقل، تعلیم و تربیت پی برد و از اهمیت آن ها در اسلام آگاهی پیدا کرد. شهید مطهری در این کتاب ابتدا علم را تعریف می کند، سپس اقسام علم از نگاه حضرت علی (ع) را بیان می کند و در انتها هم به تاریخچه تعقل و تعلم از نظر مسلمین می پردازد و جایگاه والای علم و عقل در اسلام را تشریح می کند.



از معلم جانکوشن با قشیم

همیشه روزگار از بدو خلقت و حتی پیش از آن، تا خدا بوده و هست معلم نیز بوده و هست و هر روز، روز معلم است. معلم پیر انقلاب، امام راحل (ره)، در شأن معلم می فرماید: «مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالا تر از مقام معلم نیست».

مقام معظم رهبری: «شما معلم ها در سر کلاس، نه فقط درسی که می دهید، بلکه نگاهی که می کنید، اشاره ای که می کنید، لبخندی که می زنید، اخمی که می کنید، حرکتی که انجام می دهید و لباسی که می پوشید، بر روی دانش آموز اثر می گذارد. ما به خودمان که مراجعه می کنیم، عمیق ترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگر ریشه یابی کنیم، در انتهای خط، یک معلم را مشاهده می کنیم. معلم است که چنین نقشی دارد. این ارزش معلم است و این تاثیر معلم است». معلمی، مهم ترین شغلی است که در جوامع وجود دارد و هر کسی نمی تواند این عنوان را با خود یدک بکشد؛ چرا که معلم بنیان گذار تمامی هنجارها و نا هنجاری های جامعه خود است. کودک ابتدا در مدرسه و از طریق معلمش وارد جامعه می شود و از این حیث معلم در ساخت شخصیت اجتماعی کودک و آماده کردن او برای مقابله با تندباد حوادث نقش مهمی دارد. هر بزرگ مردی روزی معلمی داشته که الفبای انسانیت، زندگی و هنر را از طریق او آویزه جاننش کرده است. البته معلمی شغل بسیار حساسی است؛ زیرا ممکن است حتی با یک جمله ای که بازگو می کند، مسیر زندگی و آینده دانش آموز را به طور کلی تغییر دهد.

مصاحبه گر
علوم تربیتی
حامد
رحیمی
وروی ۹۵



مصاحبه با نویسنده پای صحبت مصطفی لعل حقانی نویسنده و آموزگار پایه ششم

بنده نیز درباره دانش آموزان و خانواده آن ها از مدیر مدرسه اطلاعاتی کسب کرده بودم و در کلاس با آن ها بیشتر آشنا شدم. به عنوان مثال از درس هایی که علاقه دارند و درس هایی که دل خوشی از آن ها ندارند و دلیل آن پرسیدم که در آینده در نحوه تدریس آن درس ها کمک خوبی کرد.

بنابراین نکته ای که می توان آن را مهم شمرد، پیدا کردن محبوب ترین و منفورترین درس از نظر دانش آموزان است که در تدریس های پیش رو به شما کمک خواهد کرد. از جمله اقدامات مهم روز اول، کنترل کلاس است. قطعاً هر جامعه ای برای برقراری نظم و آرامش به قوانین نیاز دارد. قوانین کلاس درس باید برای دانش آموزان تشریح شود تا در ادامه کار کنترل مناسبی بر کلاس داشته باشید. به نظر می رسد اصلی ترین مشکل در روزهای اول نبود تجربه است. تجربه در هر کاری مفید است و معلمی هم از این قاعده مستثنا نیست. شاید بتوان با مطالعه کافی تا حدودی بر این مشکل غلبه کرد. بیان این نکته خالی از لطف نیست که دانش آموزان با معلمان جوان رابطه بهتری برقرار می کنند. شما می توانید از این نکته به نفع خود سود ببرید و با دانش آموزانتان دوست شوید. این کار قطعاً در بهبود رابطه شما با دانش آموزانتان تاثیر مثبت خواهد گذاشت و در تدریس موثر خواهد بود. دانش آموزان تفاوت های بسیاری باهم دارند؛ هر یک شرایط خانوادگی خاص خود را دارند پس باید نحوه برخورد با آن ها متفاوت باشد. ممکن است دانش آموزی به علت جدایی والدینش مشکلات عاطفی داشته باشد، شاید دانش آموزی به علت فوت یکی از والدینش دچار مشکلاتی شده باشد و یا ممکن است دانش آموزی در خانواده ای با مشکل اعتیاد رشد پیدا کرده باشد. شما می توانید با آگاهی از وضعیت دانش آموزان، رفتارهای آنان را پیش بینی کرده و نیز دلیل برخی از رفتارهای نامناسبی را که ممکن است از خود بروز دهند، بفهمید و بتوانید رفتار مناسبی با دانش آموزان داشته باشید. از تو ممنونم که وقتت را در اختیار ما قرار دادی. آرزوی موفقیت روز افزون برای شما داریم.

مصطفی جان در این یک سال تحصیلی که آموزگار کلاس ششمی ها بودی، قطعاً تجربیات بسیار زیادی به دست آورده ای و خاطرات قشنگی با آنها داشته ای، از تو می خواهم تعدادی از این خاطرات شیرین را در اختیار ما و خوانندگان نشریه قرار بدهی.

مصطفی: نخستین روز کاری به عنوان یک معلم، یک حس خاص و ناب است. دانش آموزان در کلاس منتظر حضور معلم جدید خود هستند. بنده به محض ورود به کلاس مورد ارزیابی دقیق دانش آموزان قرار گرفتم. مهم ترین نکته در برخورد اول، خوش رویی و احوال پرسری گرم با آنان است. دانش آموزان به تک تک حرفی که از دهان معلم بیرون می آید به دقت گوش می کنند. بهتر است با دانش آموزانتان آشنایی کامل پیدا کنید. برای این کار، پرسیدن علایق و آشنا شدن با سلیق آن ها در زمینه های گوناگون راه مناسبی



یار دوست



«کعبه که چیز عرادوست بدارد، یاد آن روز زبانش شود». (میزان الحکمه، ج 4، ص 1860).

در پایان حتماً یادتان باشد هر جا مشکلی برایتان پیش آمد، به امام زمان ارواحناده متوسل شوید و از ایشان بخواهید نزد خدا برایتان آبرو بگذارند و حل مشکلاتتان را از خداوند بخواهند؛ زیرا امام معصوم دعایش قطعاً زودتر از ما به اجابت می رسد و در این برهه به هیچ قیمتی از انتظار برای امام زمان علیه السلام دست نکشید. این یاد را هیچ وقت از خود جدا نکنید تا به یاری خداوند متعال غرق محبوب شوید و بدانید هر لحظه که به یاد امام زمان نور گرفتید در همان لحظه امام به یاد شماست و چه چیزی برای عاشق بهتر از اینکه محبوبش به یادش باشد...؟!

علامه سید علی آقا قاضی رحمه الله علیه همواره در حالت ایستاده و نشسته و در تغییر از حالتی به حالت دیگر کلمه ی «یا صاحب الزمان» را بر زبان جاری می ساخت» (عش، ص ۲۵۹). آیت الله سید عبدالکریم کشمیری رحمه الله علیه می فرمود: «روزی یک ساعت با حضرت خلوت کنید، در جای خلوت زیارت آل یاسین بخوانید، زیاد «یا صاحب الزمان ادرکنی» «یا صاحب الزمان اغثنی» بگویید تا رفاقت با حضرت زیاد شود». و خدا می داند که یاد امام زمان (عج) چه آثار و برکاتی دارد. در آیات و روایات نیز به این یاد شیرین سفارش شده است که فرموده اند: «یاد مهدی از قلوب مؤمنین غایب (فراموش) نمی گردد». (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸).

مهم ترین نشانه دوستی و عشق به امام زمان ارواحناده یاد اوست که همیشه و همه جا همراه عاشق است و اصلاً فرقی نمی کند الان کجاست و حتی حالش خوب است یا بد! وقت خواب و بیداری، وقت کار و استراحت، موقعی که می نشیند و برمی خیزد و خلاصه در همه حال یاد حضرت مهدی علیه السلام با اوست... عاشق امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ تا صدای اذان را می شنود، برای وصال به معشوق دست دعا به آسمان بلند کرده و در وقت بارش باران، عاجزانه از خداوند ظهور معشوق غریب خود را که در غیبت به سر می برد می خواهد. «یا صاحب الزمان» ذکر همیشگی زبانش شده و نور قلبش را از محبوب می گیرد.



و تمام محاسبات غرب را برهم می زند و آنها را متحیر می کند. قطعاً تحقق تمدن نوین اسلامی نیاز به حضور همه جانبه تمام ارکان نظام دارد؛ اعم از قوای سه گانه و آحاد مردم عادی و فرهیخته ایران. هر کدام از سه قوه ی کشور در رسیدن و تحقق تمدن و آرمان هایمان نقشی اساسی دارند و اگر هر یک از آن ها عملکرد مناسبی نداشته باشد، می تواند انقلاب را دچار فراز و نشیب های فراوانی کند.

قطعاً اگر کمی اخبار و تحولات منطقه را دنبال کنید متوجه حساسیت بسیار زیاد سال ۹۸ می شوید همانطور که مقام معظم رهبری نیز هشدار دادند که: «همه حواسشان را جمع کنند. ممکن است برای سال ۹۸ نقشه کشیده باشند! مسئولان فریب زبان بازی دشمن را نخورند. جوان ها و جریان های سیاسی میدان را برای دشمن آماده نکنند». با این اوصاف اگر بخواهیم یک معبر مهم و اساسی را برای حضور و نفوذ سیاسی دشمن نام ببریم، "انتخابات" از گزینه های اول خواهد بود. یکی از بهترین بسترهای اعمال سیاست های خود در کشور هدف، نفوذ در رجال سیاسی آن کشور است که متأسفانه کارنامه ی دشمنان ایران در این مورد بسیار درخشان است چه جاسوسان انگلیسی دوران مشروطه و چه کشمیری های اول انقلاب و یا فاطمه حقیقت جوها و پیرمودن های مجلس ششم که ارکان نظام را در مجلس نشانه می رفتند و بدبختانه افراد و احزاب بسیاری را با خود همراه و هم صدا کرده بودند و اکنون به صورت آشکارا در زمین دشمن بازی می کنند. در صدر این کارنامه، می توان به سال ۸۸ اشاره کرد، در این دوره نیز دشمن سعی داشت از طریق عوامل نفوذی خود یکی از ارکان اصلی نظام اسلامی را تحت سلطه خود داشته باشد؛ اما بعد از شکست در انتخابات، «تغلب» را دست مایه آشوبی هشت ماهه در کشور کردند؛ اما باز هم با حضور و راهنمایی به موقع رهبر در صحنه و بصیرت مردم، کودک انقلاب مخملی که برای ایران تدارک دیده بودند نه ماهگی خود را ندید و از بین رفت. با این حساب نقش جوانان و دانشجویان از هر زمان دیگری پررنگ تر می شود و از مسائل مهمی که دانشجویان فرهیخته جامعه باید به آن توجه کنند، انتخابات اسفند ۹۸ مجلس شورای اسلامی است. وظیفه ی اصلی او تبیین و روشننگری معیارهای انتخاب صحیح و گفتمان سازی است، انتخابی که ان شاء الله پایه گذار تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

موسی و گوساله ی سامری؛ عبارت نام آشنایی که قریب به اتفاق ما آن را شنیده ایم. زمانی که موسی برای مدت کوتاهی برادرش را ولی و جانشین خویش قرار داد، سامری با نفوذ در بنی اسرائیل ولایت هارون را رد کرد و آنها را از یکتاپرستی به گوساله پرستی کشاند. امروز نیز تفکر انقلاب اسلامی جانشین و ولی خود را در میان مردم قرار داده و او در قالب رهبر و ولی فقیه در جامعه بر مردم ولایت دارد، اما در این زمانه نیز بسیاری از نفوذی ها و عوامل دشمنان اسلام در کشور هستند که در قالب تئورسین ها و عالمان سیاسی وارد بدنه ی نظام می شوند و با استفاده از عملیات روانی (که مجال تفسیرش نیست) جایگاه ولایت را زیر سوال می برند که فکر می کنم نیازی به نام بردنشان نباشد پس باید به گوش باشیم تا هر جا سخن از حذف ولایت و یا به حاشیه کشاندن او از جامعه آمد، منتظر ظهور جریان نفوذ دشمن و عوامل فکری و دست نشانده های آن ها باشیم. اما چرا ولی فقیه جامعه این قدر برای دشمن هدفی اساسی شده است؟ پاسخ روشن است چون تفاوت افق دید یک رهبر و ولی فقیه جامعه آنجا نمایان می شود که وقتی نفوذی ها و انسان های از خود باخته ی غرب گرا، ایران اسلامی را غرق در چالش ها و مشکلات عدیده لاینحل می دانند و به صورت هماهنگ دشمن نیز در همین جبهه و جریانات سیاسی بر طبل آن می کوبد و تئوری و عملیات روانی یاس و ناامیدی مردم از حکومت را در کشور ترویج می دهد، رهبر جامعه فارغ از تمام خرس خاله ها و سامری های داخلی و خارجی گوساله پرست (غرب)، نوید گام دوم انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی را می دهد.





صندل آباد پهشته است

که ویران شده است

یا وقتی از بچه ها پرسیدم می خوابین در آینده چه کاره بشین؟ بکیشون با اعتماد به نفس بالا گفت: میخوام دامادشم. واسه اینکه بهش بفهمونم که حرف درستی نزده، از دوست بغل دستیش پرسیدم: تو چی؟ گفت: مهندس برق. ذوق زده شدم و گفتم: آفرین. حالا چرا؟ تو چشمام نگاه کرد و خیلی محکم گفت: چون پسر خالم که مهندس برقه زن گرفته.

با شاگردام از همون جلسه اول قرار گذاشتیم هر هفته یک کار خوب بکنیم و هفته بعد که اومدن پیشم برام تعریف کنن که چطور بود و چقدر حال کردن. هفته اول قرار گذاشتیم هر روز دست پدر و مادرشون رو ببوسن. خیلی خوب پیش رفت. هفته بعدش قرار شد که هرروز صبح ۳ تا صلوات بفرستیم. وقتی دیدمشون، بعد از سلام و احوال پرسی، اولین سؤالی که پرسیدم، درباره قرارمون بود. فاطمه که ۵ یا ۶ سال بیشتر نداشت، گفت: خانم اجازه؟ لیخن رضایتیم رو که دید شروع کرد به گفتن که ما هر روز صبح ۳ تا صلوات می فرستیم. بعدش بلافاصله گفت نگاه کنین اینجوری: بسم الله الرحمن الرحیم، بسم الله الرحمن الرحیم، بسم الله... هممون باهم زدیم زیر خنده... مطمئنم اون خنده ها همیشه یه گوشه ذهنم باقی میمونه. نشونش هم اینه که هر وقت بهش فکر می کنم ناخودآگاه می خندم و حالم بهتر میشه.

خلاصه، دل کندن از این شرایط سخت بود؛ هم واسه من، هم واسه دوستانم و هم شاگردامون. دلیم می خواست علاوه بر قسمتی از قلبم، یه یادگار دیگه هم از حال و هوای خودم و دوستانم اونجا بذارم. همه باهم نهال کاشتیم؛ آره نهال! که روز به روز با بچه ها بزرگ و بزرگ تر بشه و با اونا قد بکشه. نهالی که سال ها بعد، مثل دستای مهربون بچه ها بخشنده باشه و با شکوفه هاش به همه عشق و محبت هدیه بده... برای بیان احساساتم همه تلاشم رو کردم، اما احساس رو نمیشه با واژه ها منتقل کرد. آخرین تصویری که یادمه، اتوبوسی بود که داشت دور تر و دور تر میشد و بچه هایی که از پنجره اون اتوبوس کوچیک و کوچیک تر میشدن و شعری که تو سرم می پیچید:

همیشه رفتن و رفتن، ز آمدن چه خبر؟

چند هفته قرار بر این شد که به مهر همای مهر و همت خودمون بریم یه منطقه محروم به نام «صندل آباد»؛ منطقه ای که نه روستا حساب میشه و نه شهر... شاید دلیل شکاف دیوارها و قلب ترک خورده مردمش همین باشه... ذوق اولین تجربه های تدریس و سروکله زدن با بچه ها تو عمق چشمای هممون موج می زد. دور بودن از زندگی روزمره، افکار تکراری، آدم ها و اتفاق های عادی و غرق شدن تو دنیای بچه ها برای هممون لازم بود. مطمئنم چند سال بعد یادم میره چه کتابایی خوندم و اونجا چطور درس دادم. حتی چندسال بعد یادم میره چند تا شاگرد داشتیم، اسماشون چی بود و چی بهشون درس دادم! اما یقین دارم هیچ وقت هیچ وقت اون لبخندی رو که رو صورت های ماه و معصوم بچه ها دیدم فراموش نمی کنم. شاید بعد از سی سال کار، یه روز که فارغ از تمام جهان و روزمرگی ها به تماشای تلویزیون نشستیم، یکی از اون بچه ها رو ببینم که یا سیاستمدار شده یا دکتر و معلم و... و قند تو دلم آب بشه و حال دلم خوبا نمی دونم شاید وقت مرگم آخرین تصویری که تو ذهنم بیاد، عکس لبخند همون پسر بچه خجالتی با لباس پاره باشه...

گفتن بعضی حرف ها خیلی سخته. یکی از دوستان می گفت: شاگرد ۱۲ سالش معتاد بود... یکی از بچه ها دیابت داشته، یکی دیگه هنوز جای تنبیه از چند هفته پیش رو بدنش مونده... وقت استراحت که از بچه ها خواستم برامون داستان جالب بگن، یکی از بچه ها از قتل دو تالان تو محله شون گفت و آخرشم با جدیت کامل گفت منم میخوام لات بشم... بعدشم خواست به صورت ملموس به من نشون بده که تصمیمش جدیه و شروع کرد به دعوا با دوستش که اگه اون لحظه مسئولشون نبود، به این راحتی ها نمی شد از هم جداشون کرد. همش از تلخی ها نگم؛ یه وقت فکر نکنین همش آه و غصه است؛ نه! لحظات ناب و شیرین هم زیاد داشتیم؛ مثلاً اینکه بکیشون به من می گفت مامان.





زندگی دانشجویی



خوابگاه دانشجویی در واقع اکوسیستمی است که حاصل زندگی گونه های مختلفی از دانشجو ها و میکرو ارگانیسم های مختلف کنار هم است. همین ترم پیش در خوابگاه ما یک ته مانده غذا با ظرفش، مدتی گوشه اتاق افتاده بود و کسی هم مسئولیتش را بر عهده نمی گرفت. شاید به خاطر بوی مهلکی بود که حتی اجازه نزدیک شدن تا شعاع ۲ متری اش را هم نمی داد. بعد از بررسی ها و بازرسی هایی که توسط سرپرستی انجام شد و طی تماس هایی که با آزمایشگاه های سطح شهر داشتند، چند تن از افراد زبده و کارکنش آن آزمایشگاه ها برای بررسی میدانی آمدند. بعد از تحقیقات وسیع و آزمایش های گوناگون، متوجه شدند یک سری میکروب جدید در آن به وجود آمده که تاکنون در هیچ منبع علمی میکروبیولوژی ثبت نشده است. خلاصه یکی از شرکت های دانش بنیان میکروبیولوژی، آن منبع سرشار از میکروب های مکشوف ناشناخته را به قیمت گزافی از ما خریداری کرد. آخرین خبرها حاکی از آن است که با این کشف جدید، چند صد شغل به طور مستقیم ایجاد شده است، که نشان می دهد این میکروب های گرانبسنگ در اشتغال زایی توانایی بی نظیر و منحصر به فردی دارند. در نهایت هم این چهره های محبوب مردمی که تنها یک سلول دارند و در اصطلاح علمی تک سلولی نامیده می شوند، به عنوان کار آفرین نمونه در استان انتخاب شدند.

مورد بوده دانشجوی ترم یک با جوراب و دمپایی مخصوص، داخل خوابگاه و اتاق ها گشت می زده که بهداشت را رعایت کرده باشد. بعد همین دانشجو دو ترم بعد، که اصطلاحاً با محیط آдаپته شده، به محض این که آب یا چای داخل لیوانش می ریختیم، در کسری از ثانیه، این مایعات ناپدید می شدند. بعد از تحقیقات فشرده، فهمیدیم که موجودات عزیز میکروسکوپی در لیوان این دانشجو اقامت گزیده اند و تعداد آن ها به قدری زیاد است که تا مایعی درون آن ریخته می شود، همه آن را بی درنگ نوش جان می فرمایند.

شب های امتحان، خوابگاه های دخترانه و پسرانه دو دنیای کاملاً متفاوت است؛ در خوابگاه دخترانه، هما و فهیمه روی تخت نشسته اند، جزوه مزوه ها را به معنای واقعی کلمه قورت داد هاند و هم اینک در حال حل کردن نمونه سوالات سال های گذشته هستند. گوشه ای دیگر از خوابگاه نیکا استرس امتحان گرفته؛ چرا که از ترم بالایی ها شنیده که این استاد امتحان هایش را سخت می گیرد و الان به زور دور هفتمش را کرده است. سارا هم به نیکا روحیه می دهد که نیکا چون من کلاً حالم بد بود، اصلاً نتونستم بخونم. دور چهارم هم تموم کنم، هنر کردم. بعد همه با هم در گروه های مجازی اجتماع می کنند و آن دسته از سوالات لای منگنه جزوه ای می پرسند، که باور کنید اجداد خود استاد هم از آن ها خبر ندارند. در عوض در خوابگاه پسر ها... انگار نه انگار... ارسطو و نقی تا ۴ صبح لیگ PES راه می اندازند، پنجعلی و بهتاش فیلم می بینند، رحمت و رحمان و رحیم در مرکز شهر در حال دور زدن هستند، بهبود و آن دسته از کسانی که اهل آرامش و به اصطلاح فرنگی ها «مدیتیشن» هستند، در تراس و محوطه خوابگاه بساط چای و قهوه و چی توز موتوری به راه می اندازند، و تازه ساعت یک بامداد به فکر پیدا کردن جزوه می افتند و حالا اگر پاس هم نکنند برایشان زیاد مهم نیست.





عاشتمه ماه

در بیان بزرگی و عظمت ماه مبارک رمضان، همین بس که نام آن با قرآنی آمیخته شده که سراسر هدایت است. ماه رمضان ماه مهمانی خداست. این ماه برای امت رسول خداست، امتی که رجب المرجب را پشت سر گذاشته اند، شعبان المعظم را درک کرده اند و حال، خود را برای ضیافتی آماده می کنند که سفره ی آن را ذات حق تعالی برای آن ها گسترده است. در این ماه، خدا بر امت رسول خود منت نهاد و توفیق روزه داری به آن ها عطا نمود. روزه داری فرصتی است که انسان به وسیله ی آن می تواند بر نفس خود احاطه یابد و با آن به بندگی خدا دست یابد. روزه دار به حکم خدا ساعاتی از خوردن و آشامیدن دوری می کند؛ به سبب این که به خود بفهماند گر چه قادر است نیاز طبیعی خود را رفع نماید، اما خود را در محدودیت قرار می دهد تا ثابت کند که انسان، در محدودیت ها پرورش می یابد. البته گرسنگی و تشنگی کشیدن به هیچ عنوان کافی نیست. امیر المؤمنین (ع) می فرمایند: «چه بسا روزه داری که از روزه اش جز گرسنگی و تشنگی بهره ای ندارد». روزه ی حقیقی روزه ای است که در آن چشم و گوش و زبان نیز روزه باشد. در واقع گرسنگی و تشنگی مقدمه و تمرینی برای کنترل تمام اعضا و جوارح انسان است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه ای که درباره فرا رسیدن ماه رمضان ایراد کردند، پس از بیان ویژگی های این ماه به بیان نکاتی درباره ی قدر دانستن از لحظه لحظه آن پرداختند. هنگامی که امیر المؤمنین (ع) از ایشان درباره بهترین و بالاترین اعمال در این ماه سوال کرد، ایشان فرمودند: «ای ابالحسن! برترین اعمال در این ماه، پرهیز از محرّمات است». رمضان فرصتی برای ارج نهادن به «زمان» است. فرصتی برای استغفار است؛ استغفار از گناهایی که دعا ها را محبوس می کند، نعمت ها را تغییر می دهد و بلا نازل می کند. فرصتی است برای بندگی؛ بندگی خدا جز انجام واجبات و ترک محرّمات نیست. فرصتی است برای بهره مند شدن از «لیلۀ القدر»، که «جعلها خیراً من الف شهر»؛ شب نزول قرآن، فرود فرقان، شب رحمت، مغفرت و مقدر شدن تقدیر ها. مگر می شود سخن از قرآن بیاید و نام امیر المؤمنین (ع) در کنار آن نباشد؟ شب قدر با قرآن زیبایی یافت و قرآن، علی (ع) است. شاید شهادت مولا علی (ع) به این سبب در شب قدر رخ داد که روز و شب دیگری نبود که لیاقت همراهی با نام امیر المؤمنین (ع) را داشته باشد. چه زیباست پیوند قرآن با علی و علی با قرآن در ماه مبارک رمضان.



جواد عزتی امیر جدیدی
مهدی پاکدل حمیدرضا آذرنی
علی سلیمان مهدی قربانی

اکران فیلم تنگه ابوقریب

خود کارگردان متوجه می شود این کار اشتباه است اما چون بضاعتش را ندارد، مجبور است آن را انجام دهد و این به فیلم ضربه زده است. یا در سکانس شهادت سرباز ارتشی، آن قدر دوربین بد است که تماشاگر از خود می پرسد: مُرد؟ با این که مقایسه صحیح نیست اما پیشنهاد می کنم صحنه های بمباران فیلم سستیغ اره ای (haksaw ridge) را ببینید. نتیجه: دوربین را طوری می شود چرخاند که برای تماشاگر اذیت کننده نباشد و تصویرگر یک جنگ تمام عیار باشد. سخنانم به درازا کشید اما ناگفته نماند جلوه های ویژه کامپیوتری فیلم که انصافاً یک قدم رو به جلو در سینمای ایران بود، قابل تحسین است. تمام انفجار تانک ها توسط آر پی جی ها کامپیوتری است اما آنقدر عالی و بی نقص کار شده که قابل ستایش و تحسین است. قاب های خاطره انگیز و ماندگار «خضوعی ایبانه» (مدیر فیلم برداری) مانند سکانسی که علی بعد از دیدن خانه ویران شده پیرمرد روستایی، روی تاب سالم جا مانده از بمباران، با ماسک شیمیایی می نشیند و خودش را تاب می دهد، تا سال ها در ذهن بیننده باقی خواهد ماند یا صحنه پاشیده شدن خون روی دوربین فیلمبرداری که رنگ مستند به آن می دهد، خیلی خوب است. تنگه ابوقریب را ببینید ...

برای ساختن یک فیلم سخت با طراحی صحنه و لباس سنگین یا به اصطلاح فرنگی ها (Big Prduction) خود و گروهش را راهی کوه، دشت و بیابان کرده بود. همین که کارگردان این فیلم تصمیم گرفته دوربینش را از سینمای "اتاق به اتاق" ایران، خارج کند و خستگی چشم های تماشاگر را از یکنواختی موجود به در کند، برایش یک امتیاز است. تاکید می کنم این یک امتیاز برای کارگردان است نه خود فیلم! در این بین تجربه تدوین و پایان بندی عالی فیلم «من دیگو ماردونا هستم» ساخته بهرام توکلی این نوید را می دهد که می شود با یک کارگردان کاربلد، یک فیلم سینمایی خوب ببینیم و این امید را برای تماشاگران زنده می کند که فیلم ساز، توانایی ساخت یک فیلم جنگی با بضاعت سینمای ایران را دارد. اگر این داستان را فیلم ساز های شاخص دفاع مقدس مانند «حاتمی کیا» و یا حتی «باشه آهنگر» که حرفی برای گفتن دارند، می ساختند، قطعا طعم متفاوتی داشت. فیلم سازی باید این فیلم را بسازد که «پرسه در مه» را ساخته باشد، دوربین «اینجا بدون من» را در دست گرفته باشد و تدوین را در «من دیگو ماردونا هستم» انجام داده باشد. اتفاقی که در میانه فیلم «تنگه ابوقریب» می افتد و اجازه نمی دهد از لغت شاهکار برای تلاش قابل ستایش کارگردان استفاده کنیم، دوربین فیلم در صحنه های جنگی است؛

فیلمی که در به تصویر کشیدن یک منطقه ی جنگی سینمایی (War Region) آن چنان موفق عمل کرد، که به راحتی می توان آن را از مهم ترین آثار سینمایی حوزه دفاع مقدس در تاریخ سینمای ایران دانست. در این نوشته ی کوتاه، مجال گفتن و بررسی دقیق و کامل به عنوان "نقد فیلم" نخواهد بود؛ اشتباهی که بسیاری از فیلم دوستان یا همان خوره های فیلم در گوشه و کنار دنیا درگیر آن هستند. بهتر است نام این نوشته ها را که مقصودشان بیشتر آشنا کردن خواننده با فضای فیلم و حال و هوای آن است، معرفی نامه (Review) بگذاریم. برای شروع، سکانس افتتاحیه فیلم را به خاطر بیاورید؛ شوخی های خوشمزه و دل نشین حسن و مجید با بازی عالی امیر جدیدی و جواد عزتی، نوید یک فیلم پر مغز با دیالوگ بازی خوب بین کاراکتر ها را می دهد. بعد از معارفه ی کوتاه ۴ شخصیت اصلی در کنار رود خانه ی پشت سد و دوربینی که در پایان آن سکانس، به ما نمای چهار صندلی خالی با آب هویج های نصفه نیمه خورده شده را می دهد، واضح است که در پایان باید منتظر شهادت هر چهار شخصیت اصلی داستان باشیم... نکته ای که باید قبل از پرداختن به متن اصلی داستان به آن توجه کرد، خود کارگردان فیلم است. بهرام توکلی بعد از فیلم های «اینجا بدون من»، «آسمان زرد کم عمق» و «بیگانه» که همه فیلم های بد اما قابل اعتنایی بودند،



بلبل شوقم هوای نغمه خوانی می کند
طاقتم اظهار عجز و ناتوانی می کند
جویبار اشکم آهنگ روانی می کند
با خزان هم آشتی و گل فشانی می کند
چشم پروین هم چنان چشمک پرانی می کند
با همان شور و نوا دارد شبانی می کند
با همین نخوت که دارد آسمانی می کند
در درونم زنده است و زندگانی می کند
خاطرهم با خاطرات خود تبانی می کند
چون بهار ان می رسد با من خزانی می کند
هر چه گردون می کند با ما نهانی می کند
از اجل بشنو که با ما شمر خوانی می کند
دفتر دور ان ما هم بایگانی می کند
ور نه قاضی در قضا نامهربانی می کند



پیروم و گاهی دلم یاد جوانی می کند
همتتم تا می رود ساز غزل گیرد به دست
چشمه سار طبع من دیگر نمی جوشد، ولی
بلبلی در سینه می نالد هنوزم کاین چمن
ما به داغ عشق بازی ها نشستیم و هنوز
نای ما خامش ولی این زهره ی شیطان هنوز
گر زمین دود هوا گردد همانا آسمان
سال ها شد رفته دمسازم ز دست اما هنوز
با همه نسیان تو گویی کز پی آزار من
بی ثمر هر ساله در فکر بهار انم ولی
طفل بودم دزدکی پیر و علیلم ساختند
دور اکبر خوانی ما طی شد اکنون یک دهن
می رسد قرنی به پایان و سپهر بایگان
شهریارا گو دل ما مهربانان مشکنید

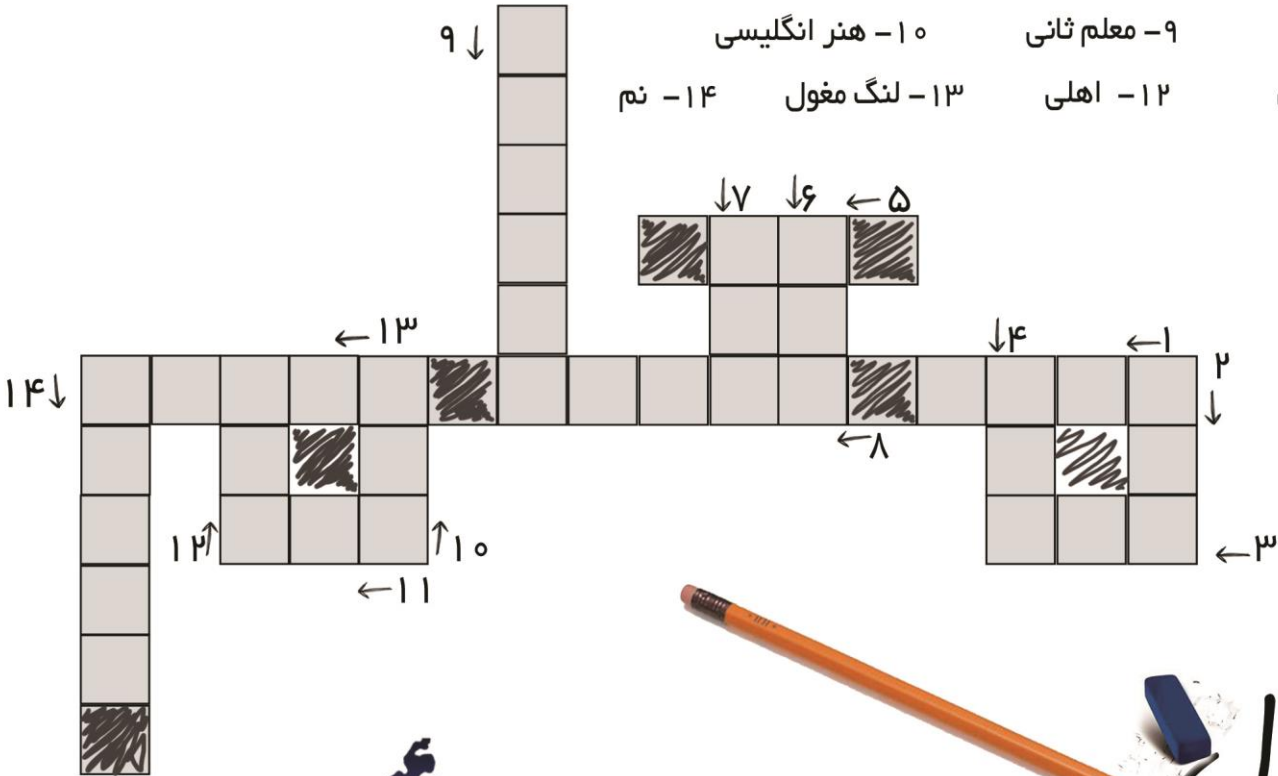
شیرین، خوشمزه، دل نشین، صفاتی که در وصف #یادت_باشد از ذهن آدم عبور می کند، درست مثل خود کتاب هستند.
#یادت_باشد از آن دسته کتاب هایی است که با خواندن ۲۰ صفحه ابتدایی اش، دعا دعا می کنی هیچ وقت تمام نشود.
محمد رسول ملاحسنی دست به قلم برده و داستان عشق شخصیت هایش را طوری نقاشی کرده که گویی «فرزانه» و
«حمید» از دنیای غیر واقعی کتاب بیرون آمده اند و در دنیای واقعی، درست پیش روی چشم هایمان عاشقی می کنند.
بیا بید با دل خود رو راست باشیم و بی انصافی را کنار بگذاریم! خدا نکند از آن دسته افرادی باشیم که با دیدن نام
نویسنده ایرانی، اثر را پیش از خوانش قضاوت کنیم. نکند «عشق حمید شهید» و «فرزانه اش» را نادیده بگیریم.
با دلمان صادق باشیم. باید روزی یاد بگیریم کتاب را با احساس احساس درون قلب هایمان روانیم نه منطق

مغز هایمان. تاکنون کتابی با این خصوصیات که بیانگر "عشق"
باشد، در زندگانی شهدای ۸ سال دفاع مقدس نخوانده بودم؛
نه این که کلاً نباشد، بود اما نه به این شکل. "به مجنون گفتم
زنده بمان" که خاطرات همسر ابراهیم شهید بود، رگه هایی از
این عشق و دیوانگی را داشت اما یادت باشد طعم دیگری دارد.
کاش مجال موشکافی و صحبت درباره سطر به سطر و فصل به فصل
کتاب بود. فرصتی که ساعت ها کنار هم #یادت_باشد
بخوانیم و از #یادت_باشد حرف بزنیم. #یادت_باشد هایی که
هیچ گاه به زبان نیاورده ایم ...





- ۱- شاعر ایرانی ۲- خوب، بد.... ۳- دسته ، گروه
۴- با غرور و افتخاری بی نظیر / می شکافند ه ه ه ه ه دریا همچو شیر
۵- زدنی بهانه جو ۶- خواب عرب ۷- گرد درمان کننده
۸- برگزیده ۹- معلم ثانی ۱۰- هنر انگلیسی
۱۱- مادر باران ۱۲- اهلی ۱۳- لنگ مغول ۱۴- نم

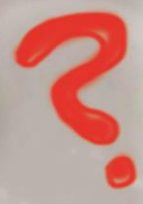


هزار و سیصد و نود و سیل



شب عید بود که شدت بارش در شهرهای گنبد، آق قلا، گمیشان و نقاط دیگر استان های گلستان و مازندران به اوج خودش رسید و باعث شد تا سفره هفت سین امسال برای بعضی از هموطنانمان همراه با سین سیلاب باشد. سیلابی که در شهرهایی مانند آق قلا باعث تخلیه خانه های مردم شد و برای برخی از هموطنانمان آوارگی به همراه داشت. در لحظات اولیه وقوع سیل اخبار، آمار و اطلاعات به لطف فضای مجازی و رسانه های دیگر به پایدخت و سرتاسر ایران معابر شد. این اخبار بیانگر آن بود که آق قلا و بعضی از روستاهای گنبد و گمیشان در حال غرق شدن در آب هستند.

دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی



استاد

دانشجو

در ارتباط با کاریکاتور زیر متن هلی خود را از طریق راه ارتباطی معرفی شده، برای ما بفرستید.
بهترین متن ارسالی در شماره بعد نشریه چاپ خواهد شد.

@SeyedM_SM





رونق تولید راز شکوفایی

اگر تولید رونق گرفت، آن وقت در بخشهای مختلفی تحول ایجاد خواهد شد؛ هم تأثیر میگذارد در اشتغال، هم تأثیر میگذارد در کم کردن تورم، هم حتی تأثیر میگذارد در وضع توازن بودجه، هم تأثیر میگذارد در بالا رفتن ارزش پول ملی. ببینید، اینها همه مشکلات مهم اقتصادی ما است. صاحب نظران و کسانی که مطلع از مسائل اقتصادی هستند، تصدیق میکنند، تأیید میکنند. [آنها] معتقدند که ظرفیتهای کشور برای شکوفایی اقتصاد، ظرفیتهای بسیار آماده و مستعد و کاملی است.

عمرها
۹۸/۱/۱
رهبرانقلاب

